

The stylistics of Manteq-Al-Tayr Attar's, based on Halliday's opinions

Abstract

Metaphors is one of the important terms Systemic Functional linguistics that Halliday proposed. Metaphors are a suitable tool for examining the poet's worldview and the discourses in a text, and it is one of the literary and rhetorical tools in understanding the symbolic and allegorical language of poet-mystics such as Attar, which can be used to explain the complex mystical concepts as best as possible. Therefore, with the descriptive-analytical method, we are trying to examine the problem of ideational and interpersonal metafunction in the Manteq-Al-Tayr-e Attar from among the metaphors that Halliday has proposed in his systematic order. Among the various clauses, we have examined 2900 clauses in the Manteq-ol-Tayr. The results of the research show that among the 6 ideational metafunction, the material process has the highest frequency and the behavioral process has the lowest frequency in this system. Material processes have a significant effect in making concrete and tangible abstract concepts and stages of behavior in Manteq-Al-Tayr. Among the material processes, the objective process has the highest frequency and the involuntary process has the lowest frequency. In the interpersonal metafunction, the high frequency of the news aspect shows the poet's adherence to the truth of the propositions. According to the investigations, most clauses have a positive polarity. Among the habits, the qualitative adjectives that express an opinion, orientation, description and justification of a claim, have a high frequency in Manteq-Al-Tayr. Hence, with the use of Halliday's metamorphoses, it is possible to distinguish Attar's style from other poets.

Keywords: Systemic Functional Linguistics, Halliday, The Manteq –Al- Tayr Farid-Al- Din Attar Neyshaburi, ideational metafunction, interpersonal metafunction.

سبک‌شناسی منطق الطیر عطار، بر اساس آرای هلیدی

خدیجه بهرامی رهنما

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

فرانقش‌ها، یکی از اصطلاح‌های مهم در زبان‌شناسی نقش‌گراست که هلیدی آن را مطرح کرده است. فرانقش‌ها، ابزاری مناسب جهت بررسی جهان‌بینی شاعر و گفتمان‌های موجود در یک متن و نیز، یکی از ابزارهای ادبی و بلاغی در شناخت زبان رمزی و تمثیلی شاعر- عارفانی چون عطار است که به وسیله آن می‌توان، به تبیین هر چه بهتر مفاهیم پیچیده عرفانی پرداخت. از این رو، با روش توصیفی- تحلیلی درصدد هستیم تا از میان فرانقش‌هایی که هلیدی در دستور نظام‌مند خود مطرح کرده است، به بررسی مسئله فرانقش‌های اندیشگانی و بینافردی در منطق الطیر عطار بپردازیم. از میان بندهای مختلف، به بررسی ۲۹۰۰ بند در منطق الطیر پرداخته‌ایم. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از میان ۶ فرایند اندیشگانی، فرایند مادی، بیشترین بسامد و فرایند رفتاری، کمترین بسامد را در این منظومه داراست. فرایندهای مادی، تأثیر بسزایی در تصویرسازی مراحل سیر و سلوک در منطق الطیر دارد. از میان فرایندهای مادی، فرایند عینی بیشترین بسامد و فرایند غیر ارادی، کمترین بسامد را داراست. در فرانقش بینافردی، بسامد بالای وجه اخباری، بیانگر پای‌بندی شاعر به حقیقت گزاره‌هاست. با بررسی‌های به عمل آمده، اغلب بندها، دارای قطبیت مثبت هستند. از میان ادات، ادات کیفی که بیانگر یک عقیده، جهت‌گیری، توصیف و توجیه ادعایی هستند، بسامد فراوانی در منطق الطیر دارد. از این رو، با کاربرست فرانقش‌های هلیدی، می‌توان به تشخیص سبکی عطار از دیگر شاعران دست یافت.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرا، هلیدی، منطق الطیر فریدالدین عطار نیشابوری، فرانقش اندیشگانی، فرانقش بینافردی.

۱. مقدمه

هلیدی (۱۹۲۵م. - ۲۰۱۸م.)، یکی از برجسته‌ترین زبان‌شناسان نظریه نقش‌گراست که با استفاده از دو مفهوم «نظام و نقش» در بافت و موقعیت یک متن، به معرفی رویکرد خود تحت عنوان دستور نقش‌گرای نظام‌مند پرداخته است؛ او، در این رویکرد، بر پدیده‌های زبانی تأکید دارد. زبان، ابزاری مهم برای ارتباط و تعامل با دیگران و به تصویر کشیدن تمامی تجربه‌های انسان در اعصار مختلف است. رویکرد نقش‌گرایی در پی آن

است که «خود زبان را به طور ذاتی توضیح دهد و هم رابطه آن را با ساختارهایی چون فرهنگ و جامعه تبیین کند» (Halliday, 1994:17). «هلیدی، زبان را به مثابه یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته است و برخلاف چامسکی، آن را جدا از اجتماع نمی‌داند» (رفاهی، ۱۴۰۱: ۱۱۳). زبان، نوعی نظام نشانه‌شناختی است که در تولید معنا و مناسبات معنایی نقش بسزایی دارد. «از آنجایی که دستور و معنی‌شناسی، هر دو متشکل از نظام‌های رمزگذاری انتزاعی هستند، اصطلاح معنی‌شناسی فقط به معنی واژه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه نظام کاملی از همه متون مختلف معانی موجود در یک زبان است و دستور زبان، همان قدر در میان معانی نقش دارد که واژه‌ها» (Leech, 1988:96).

مفهوم دیگر در دستور نظام‌مند هلیدی، اصطلاح «نقش» است که به نقش‌های دستوری و زبانی متن اطلاق می‌گردد. از نظر هلیدی، «مهم‌ترین نقش زبان، ارتباط است و زبان مطابق با موقعیت و جایگاهش در جامعه، نقش‌های گوناگونی می‌پذیرد. از آنجا که مفهوم نقش برای هلیدی اهمیت بسیار دارد، او این مفهوم را با عنوان «فرانقش‌ها» مورد بررسی قرار داده است. زبان در ارتباط با محیط اجتماعی انسان دو نقش عمده دارد: یکی معنا بخشیدن به تجربه‌های انسان و دیگری به تصویر کشیدن روابط اجتماعی انسان» (Halliday & Matthiessen, 2004: 30).

هلیدی، در دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۱، بر ۳ فرانقش اندیشگانی^۲، متنی^۳ و بینافردی^۴ تأکید دارد که به وسیله آن می‌توان متون مختلف از جمله منطق الطیر عطار (۵۴۰ ه. ق - ۶۲۷/۶۱۸ ه. ق) را مورد بررسی سبک‌شناسی قرار داد. منطق الطیر، دربرگیرنده عالی‌ترین و دلکش‌ترین مفاهیم عرفانی است که این مفاهیم، توصیف‌ناپذیر است و به عالم ماده در نمی‌آید. از این رو، با استفاده از ابزارهایی که دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی در اختیارمان قرار می‌دهد، می‌توان آن مفاهیم را، به مفاهیمی قابل فهم برای مخاطبان مبدل ساخت. الگوی نقش‌گرای هلیدی، از مهم‌ترین روش‌های علمی و کارآمد جهت تعیین جهان‌بینی شاعر، طرز نگرش و وجهیت^۵ بندهاست. از میان

فرانقش‌ها، به بررسی فرانقش‌های اندیشگانی و بینافردی پرداخته‌ایم تا به وسیله این دو ابزار، به تشخیص سبکی عطار در این منظومه و ساختار وجهی بندها در این منظومه دست یابیم.

۱.۱. سوال‌های تحقیق

- کدام یک از انواع فرانقش اندیشگانی، در انتقال تجربه‌های درونی و بیرونی عطار موثرتر قلمداد شده‌اند؟
- چگونه عامل و جهت، می‌تواند طرز نگرش و بینش عطار را در منطق الطیر نشان دهد؟
- در منطق الطیر، ادات در فرانقش بینافردی، بر چه مفاهیمی دلالت دارند؟

-
- 1. Systemic Functional Grammar
 - 2. ideational metafunction
 - 3. textual metafunction
 - 4. interpersonal metafunction
 - 5. mood element

۱.۲. پیشینه تحقیق

مقاله‌های فراوانی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که از میان آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعلایی، مریم و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی: در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، از منظر فرانقش بینافردی». نتایج تحقیق بیانگر آن است که نویسنده با استفاده از جمله‌های خبری در بسامد بالا، فقط به ارایه

اطلاعات پرداخته است و این امر موجب می‌شود، تعامل دوسویه رخ ندهد و نویسنده به هدف خود که همانا انتقال مفاهیم به طرف مقابل است، نرسد.

- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۹) «همبستگی سطوح روایت و فراکارکردهای هلیدی در داستان حسنک وزیر». نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیهقی، به واسطه فراکارکرد اندیشگانی، تصویری واقعی و عینی از جهان داستانی و تاریخی خود ارایه کرده است و در فراکارکرد بینافردی، نه از جهان داستانی خود دور می‌شود و نه به خواننده نزدیک.

- آقاگل زاده، فردوس و همکاران (۱۳۹۰) «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا». نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آل احمد، از فرایندهای مادی، حدود هفده درصد بیشتر از صادق هدایت استفاده کرده است.

- امیرخانلو، معصومه (۱۳۹۴) «سبک‌شناسی غزل‌های حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا». نتایج تحقیق نشان از آن دارد که حافظ در غزل‌های عاشقانه و قلندرانه خویش، از فرایندهای مادی که بر دنیای بیرون دلالت دارد، بیشتر از سایر فرایندها بهره برده و فرایندهای کلامی را نیز، در کنار سایر عناصر روایت به کار برده است.

- منشی‌زاده، مجتبی و الاهیان، لیلا (۱۳۹۴) «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند». نتایج تحقیق بیانگر آن است که فرایند رفتاری، بسامد بیشتری در گلستان دارد که این نشان از تمرکز گلستان بر روابط اجتماعی انسان‌ها و پی‌گیری اصل تعلیم و تربیت دارد.

- قنبری عبدالملکی، رضا و فیروزیان پور اصفهانی، آیلین (۱۴۰۰) «سبک‌شناسی گفتمان داستان کوتاه دهلیز از منظر فرانش‌های اندیشگانی و متنی، بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». یافته‌های تحقیق، بیانگر کاربست فرایندهای مادی، رفتاری و رابطه‌ای و بسامد کمتر فرایندهای وجودی، ذهنی و کلامی است. فراوانی بسامد مادی، بیانگر آن

است که نویسنده در گفتمان خود، در پی ملموس نشان دادن نگرشش، نسبت به اوضاع سیاسی جامعه بوده است.

با بررسی‌های به عمل آمده، تحقیقی منطبق با پژوهش حاضر یافت نشد.

۱.۳. روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای است و در تحقیق حاضر درصدد هستیم تا رویکرد فرانش‌های اندیشگانی و بینافردی هلیدی را بر منطق الطیر عطار مورد بررسی قرار دهیم. پیکره تحقیق، شامل ۲۹۰۰ بند است که به صورت تصادفی از منطق الطیر انتخاب شده است.

۱.۴. اهمیت و ضرورت تحقیق

کاربست رویکرد هلیدی بر منطق الطیر، منجر به کشف و تبیین جهان‌بینی عطار و اغراض ثانویه کلام او می‌گردد. از ضرورت‌های این تحقیق، آن است که با استفاده از رویکرد هلیدی، می‌توان به مهم‌ترین ویژگی سبکی عطار، از دیگر شاعران دست یافت. با انطباق فرانش‌های اندیشگانی و بینافردی، درصدد هستیم تا به تجربه‌های درون و برون عطار، وجهیت، قطیّت بندها و... در منطق الطیر دست یابیم. اهمیت این تحقیق، از آن روست که با انطباق رویکرد هلیدی، می‌توان به خوانشی جدید از منطق الطیر دست یافت و نیز خلأ مطالعاتی در این زمینه را مرتفع ساخت.

۱.۵. چهارچوب نظری تحقیق

۱.۵.۱. فرانش اندیشگانی

فرانش اندیشگانی، ابزاری کارآمد برای بررسی طرز نگرش یک شاعر یا یک نویسنده است که به وسیله آن می‌توان به تشخّص سبکی آنان دست یافت. «در این روش، واحد تحلیل سبک‌شناس، بند دستوری است، چراکه هر بند، کار انتقال یک ایده را برعهده

دارد. زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند، به جای بحث درباره فعل، مفهومی به نام «فرایند» را طرح می‌کند. عمل انتقال ایده به فرایندهای زبانی، همان جریانی است که یک مفهوم در زبان بازتاب می‌یابد و به یک شکل لفظانی درمی‌آید و رمزگذاری می‌شود؛ به زبان ساده‌تر، روند قرار گرفتن جهان و امور در صورت‌های زبانی است. پس هر بند، بازنمود یک مفهوم برون زبانی است و از این رو، بند دستوری برای سبک‌شناس، پایه بررسی و واحد تحلیل متن است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

فرانقش‌های اندیشگانی، نقش مهمی در انتقال امور ذهنی دارند. هلیدی، فرایندها را به دو دسته «اصلی» و «فرعی» (Halliday & Matthiessen, 2004: 170) تقسیم کرده است؛ فرایندهای اصلی، شامل مادی^۱، ذهنی^۲ و رابطه‌ای^۳ است و فرایندهای فرعی، شامل سه فرایند کلامی^۴، وجودی^۵ و رفتاری^۶ است که در زیر به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته‌ایم.

1. material process
2. mental process
3. relational process
4. verbal process
5. existential process
6. behavioral process

۱.۵.۱. فرایند مادی

این فرایندها، «اعمال فیزیکی هستند که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارند. درحقیقت، این فرایندها، بیانگر تجربه‌ها و رخداد‌های جهان بیرون هستند و به انجام کنشی در جهان خارج اشاره می‌کنند. این کنش، می‌تواند عینی و ملموس باشد. مانند دوش گرفتن و یا انتزاعی باشد، مانند خراب کردن. فرایند مادی به ۸ دسته «کنشی^۱،

رخدادی^۲، خلاق^۳، گشتاری^۴، عینی^۵، انتزاعی^۶، ارادی^۷ و غیر ارادی^۸) (Ibid: 179-196) تقسیم می‌شود.

۱.۵.۱. فرایند ذهنی

این فرایند، «دربرگیرنده فعل‌های احساسی یا واکنش‌های ذهنی (دوست داشتن و ترسیدن)، فعل‌های حسی (دیدن و شنیدن) و شناخت (فکر کردن و اعتقاد داشتن) هستند. این فعل‌ها، مستلزم یک شرکت‌کننده انسانی یا شبه انسانی یا به عبارت دیگر مدرک یا حس‌گر می‌باشند و نیز، یک چیز یا حقیقت به ادراک درآمده، احساس شده یا اندیشیده شده است که آن را پدیده می‌نامیم» (تولان، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۱۹۹).

1. Doing
2. Happening
3. Creative
4. Transformative
5. Concrete
6. abstract
7. intentional
8. involuntary

۱.۵.۳. فرایند رابطه‌ای

این فرایند، «برای مشخص کردن، دسته‌بندی یا شناسایی به کار می‌رود و به صورت یک فعل ربطی تحقق پیدا می‌کند. این نوع فرایندها، دنیای درون و برون ذهن را به هم مرتبط می‌کنند و نقش فرایند در این بندها، نشان دادن وجود همین رابطه است.

فرایندهای ربطی با فعل‌های ربطی مانند بودن، شدن، گشتن، استن و... بیان می‌شوند» (Halliday & Matthiessen, 2004: 210).

۱. ۵. ۱. فرایند کلامی

این فرایند، «در مرز میان دو فرایند ذهنی و رابطه‌ای قرار دارند. در این فرایند، بندهایی از نوع «گفتن» وجود دارد که عمل گفتن، کنشی مادی و فیزیکی است، اما از سویی این قبیل فرایندها، انعکاس عملکرد ذهن می‌باشند. پس، نوعی فرایند ذهنی نیز به شمار می‌آیند. درحقیقت، فرایندهای کلامی به بیان آوردن افکار، اندیشه‌ها و نوعی گفتار درونی است» (Bloor & Bloor, 1997: 122).

۱. ۵. ۱. فرایند وجودی

این فرایند، در مورد هستی یا نیستی یک پدیده سخن می‌گوید و «بیانگر وقوع حادثه‌ای یا دلیل بر وجود چیزی است. این فرایند در فعل‌هایی مانند بودن، استن، اتفاق افتادن، باقی ماندن، آویزان بودن و... شکل می‌یابند. این فرایندها، بیانگر اتفاق و حادثه‌ای هستند، از یک سو نزدیک به فرایندهای مادی می‌باشند و از دیگر سو، چون بیانگر وجود و یا بودن چیزی می‌باشند، به فرایندهای رابطه‌ای نزدیک هستند. تنها شرکت کننده در فرایند وجودی، عنصر موجود است که از لحاظ ماهیتی می‌تواند، شخص، شی، اتفاق و یا مفهومی انتزاعی باشد» (Halliday & Matthiessen, 2004; 252).

۱. ۵. ۱. فرایند رفتاری

فرایندهای رفتاری، فرایندهایی «مربوط به فعالیت‌های انسان خودجوش یا کنترل شده‌ای هستند که می‌توانند درونی یا بیرونی باشند. آن‌ها، شکل جسمانی یا مادی دو فرایند اصلی دیگر کلامی و ذهنی هستند. بنابراین، فرایندهای رفتاری را، نمونه‌هایی از این دو فرایند دیگر بدانیم که از جنبه‌ای مادی بازنمایی شده‌اند و عبارتند از نگاه کردن، تماشا کردن، خیره شدن، گوش دادن، نفس کشیدن، سرفه کردن، شکلک درآوردن،

اخم کردن، لبخند زدن، خواب دیدن، جیغ کشیدن، خفه کردن، چشمک زدن و... آن‌ها از منظر معناشناختی و دستوری، بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار می‌گیرند و فقط یک شرکت کننده، تحت عنوان رفتارگر انسانی دارد» (تولان، ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۰).

۱. ۵. ۲. فرانش بینافردي

فرانش بینافردي، بر تبادل معنا در بندها تأکید فروان دارد. در چارچوب این فرانش، «از زبان برای تعامل با دیگر افراد، برقراری رابطه و حفظ این رابطه با آن‌ها، تحت تأثیر قرار دادن رفتار سایرین، بیان دیدگاه شخصی خود و درک یا تغییر دیدگاه‌های دیگران استفاده می‌کنیم. در این نوع فرانش، این «فاعل» است که اهمیت دارد. از آنجا که در این نوع معنی، شرکت کننده‌ها و نگرش‌های آن‌ها مورد توجهند، معنای بینافردي، تجلی فحوای کلام است» (Halliday, 1994: 96).

در فرانش بینافردي، دو عامل «وجه» و «باقی مانده» نقش بسزایی در پیش‌برد کنش‌های کلامی دارد. «عنصر وجه، جایگاه تبلور تعامل بینافردي و تأثیر و تأثر دو سویه است و سه جزء «فاعل»، «عنصر خودایستای فعل» و «ادات وجه نما» را دربر می‌گیرد. فاعل، یک گروه اسمی یا یک ضمیر شخصی است که به لحاظ شخص و شمار با فعل هم‌خوانی دارد... عنصر خودایستا، عنصری است که گزاره را از حالت انتزاعی درمی‌آورد و آن را ملموس می‌کند. به واسطه عمل این عنصر است که گزاره زمان‌مند و موقعیت‌مند می‌شود. این کار به دو صورت انجام می‌گیرد، چراکه عنصر خودایستا، دو سویه زمان‌نمایی و وجه‌نمایی دارد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۱). در زمان‌نمایی، تأکید بر زمان انجام فعل در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده است. در وجه‌نمایی، نحوه نگرش و جهان‌بینی شاعر مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس رویکرد هلیدی، «مفعول مستقیم و غیر مستقیم در جمله‌های گذرا، «متمم» به شمار می‌رود» (Halliday & Matthiessen, 2004: 125). باقی مانده نیز، شامل فعل واژه، متمم و ادات وجه‌نماست.

۲. بحث و بررسی

۱.۲. فرانش اندیشگانی

فرانش اندیشگانی، بیانگر تجربه‌های انسان از جهان درون و بیرون ذهن است. زبان در این فرانش، «بیانگر پدیده‌های محیطی مانند رویدادها، اشیا، موجودات، کنش‌ها، کیفیت‌ها، حالت‌ها، روابط و همچنین فرایدها یا به عبارتی دیگر، چیزهایی است که از قبل به عنوان واقعیت‌ها و گزارش‌ها رمزگذاری شده‌اند. هلیدی معتقد است: زبان در ایفای نقش اندیشگانی، به تجربه شخص نیز نظم و سامان می‌بخشد» (Halliday, 1978: 112).

۲.۱. فرایند مادی

در منطق الطیر، فرایندهای مادی بیانگر عینی و ملموس بودن کنش‌هاست و از مهم‌ترین مولفه‌های تصویرساز و زیبایی آفرین در منطق الطیر به شمار رفته است که عطار آن را با عالی‌ترین مفاهیم عرفانی پیوند زده است.

چون به سوی غار می‌شد مصطفی خفت آن شب بر فراشش مرتضا

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۵۷)

سر بکن این ماهی بدخواه را تا توانی سود فرق ماه را

(همان: ۲۶۱)

فرایندهای مادی، پربسامدترین فرایند به کار رفته در منطق الطیر است. با بررسی‌های به عمل آمده از میان ۲۸۳۶ فرایند به کار رفته در پیکره تحقیق، ۸۸۲ فعل به فرایند مادی اختصاص دارد. فزونی فرایند مادی، بیانگر حضور قوی کنش‌گر در داستان‌های منطق الطیر است. در بعد زبانی و ساختاری، شاعر علاوه بر تقویت کنش‌گرها، بر وقوع کنش‌ها نیز تأکید فراوان دارد. عینی و ملموس بودن فرایندهای مادی، کمک فراوانی به شناخت و درک مفاهیم پیچیده و رمزی-عرفانی منطق الطیر کرده است. فرایندهای مادی، امکان

بیشتری را برای ذکر جزئیات رویدادها در اختیار مخاطب قرار داده و به باورپذیری کنش‌ها نیز کمک بسیاری کرده است. فرایندهای مادی در این منظومه، به تجربه‌های شاعر از جهان بیرون اشاره دارد. شاعر، با استفاده از فرایندهای مادی، به ملموس ساختن مراحل مکاشفه پرداخته است، چراکه سیر و سلوک آفاقی، زمینه‌ساز کشف و شهود انفسی است. از آنجا که در عرفان، عارف همواره در طی طریق است و در جهت رسیدن به استکمال نفس، باید مسیری را پیماید تا درنهایت به مقصد برسد، از رهگذر فرایندهای مادی می‌توان به ملموس ساختن سیر و سلوک پرداخت. بنابراین عطار با بهره‌گیری از فعل‌های مادی، به تبیین هر چه بیشتر مفاهیم عرفانی پرداخته و همین عامل سبب گشته است تا مخاطب، وقایع را تا فرجام داستان‌ها دنبال کند.

فرایندهای مادی، انواع مختلفی دارد که در زیر به بررسی هریک از آن‌ها پرداخته‌ایم.

۲.۱.۱. فرایند مادی کنشی

فرایند مادی کنشی، «دربرگیرنده کنش‌گر و هدف است که توسط بند مادی متعدی یا فعل متعدی بیان می‌شود و بندهای دارای این نوع فرایند، بیانگر انجام کنشی هستند» (Halliday & Matthiessen, 2004: 179).

مادرش درجست و او را برگرفت شیر دادش حالی و درب‌گرفت

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۵۰)

در بیت بالا، مادرش: کنش‌گر، درجست: فعل مادی کنشی، او را: هدف، برگرفت: فعل مادی کنشی، شیر دادش: هدف و درب‌گرفت: فعل مادی کنشی است.

۲.۱.۲. فرایند مادی رخدادی

«در این فرایند، تنها عنصر کنش‌گر را داریم که توسط بند مادی لازم یا فعل لازم بیان می‌شود» (Ibid: 180).

رفت مردی، **باز آمد** پرشتاب گفت: پر خون است چاه و نیست آب
(همان: ۲۵۶)

رفت: فعل مادی رخدادی لازم، مردی: کنش گر و باز آمد: فعل مادی لازم رخدادی.

۲. ۱. ۳. فرایند مادی خلاق

در این فرایند، «چیزی یا حالتی که از قبل وجود نداشته است، ایجاد می شود. آنچه در نتیجه این فرایند خلق می شود، هدف نام دارد. این فرایند، با فعل هایی چون پدید آوردن، تولید کردن، نوشتن، خلق کردن، ساختن، ترکیب کردن و ... همراه است» (Halliday & Matthiessen, 2004: 181).

کرد در شش روز، هفت انجم **پدید** وز دو حرف **آورد**، نه طارم **پدید**...
چرخ را دور شبانروزی دهد شب **برد**، روز **آورد**، روزی **دهد**
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۳۴ و ۲۳۳)

در بیت های بالا، کرد پدید: فعل مادی خلاق، هفت انجم: هدف، نه طارم: هدف، چرخ: هدف، دور دهد: فعل مادی خلاق، شب: هدف، برد: فعل مادی خلاق، روز: هدف، آورد: فعل مادی خلاق، روزی: هدف و دهد: فعل مادی خلاق است.

۲. ۱. ۴. فرایند مادی گشتاری

این فرایند، «تغییر حالت و وضعیت پدیده ای یا رخداد یا کنشی را نشان می دهد» (Ibid: 185).

چون دمی در گل **دمد**، آدم **کند** وز کف و دودی همه عالم **کند**
ناقه از سنگی **پدیدار آورد** گاو زر در ناله زار **آورد**
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۳۴)

۲. ۱. ۵. فرایند مادی عینی

در این فرایند، کنش‌ها عینی و ملموس و با حواس پنج‌گانه قابل ادراک هستند. این فرایند، به وقایع و رخداد‌های جهان خارج اشاره دارد.

باز فاروقی که عدلش بود کار
گاه می‌زد خشت و گه می‌کند خار...
وانکه با دختر تواند جنگ کرد
داند او سوی پدر آهنگ کرد
(همان: ۲۵۶ و ۲۵۴)

۲.۱.۶. فرایند مادی انتزاعی

در این فرایند، کنش‌ها ذهنی و انتزاعی می‌باشند و با مفاهیم عقلی و وهمی قابل ادراک هستند.

چون خرم شد نفس بنشستم برو
نفس سگ بر توست، من هستم برو
(همان: 321)

۲.۱.۷. فرایند مادی ارادی

در این فرایند، کنش‌گر به صورت ارادی، فعلی را انجام می‌دهد.

بردم و بفروختم خوش شد دلم
دو درست سیم آمد حاصلم
(همان: 327)

۲.۱.۸. فرایند مادی غیر ارادی

در این فرایند، کنش‌ها اتفاقی هستند و بدون اراده و قصد کنش‌گر انجام می‌شود.

پوست، آخر درکشیدند از پلنگ
درکشند آخر ز تو هم بی‌درنگ
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: 330)

۲.۲. فرایند ذهنی

فرایند ذهنی، دومین فرایند پر بسامد در منطق الطیر است. از میان ۲۸۳۶ فرایند، ۸۲۲ مورد به فرایند ذهنی اختصاص دارد. عطار از این فرایند، برای انتقال اندیشه، احساس و

عاطفه در این منظومه سود جسته است. هدف عطار از به کار بردن فرایندهای ذهنی، آن بوده است تا علاوه بر برجسته‌سازی نفس، مخاطب بتواند به درک درستی از جهان درون خود دست یابد. تمامی فرایندهای ذهنی به کار رفته در این منظومه، بر لزوم کوشش عارف، گام نهادن در سیر و سلوک، پیکار با نفس، خودشناسی و در نهایت خداشناسی تأکید فراوان دارد.

چون الست عشق بشنیدی به جان
از بلی نفس، بیزاری ستان
(همان: ۲۶۰)

چون ندانستیم، خطا کردم، ببخش
بر دل و بر جان پر دردم ببخش
(همان: ۲۴۴)

هلیدی، فرایندهای ذهنی را از لحاظ معنایی به چهار دسته «ادراکی، ذهنی - شناختی، ذهنی - درخواستی و ذهنی - عاطفی» (Halliday & Matthiessen, 2004: 170) تقسیم کرده است که در زیر به بررسی هر یک در منطق الطیر پرداخته‌ایم.

۲.۲.۱. ذهنی - ادراکی

این نوع فرایند، بسامد بیشتری نسبت به دیگر فرایندهای ذهنی دارد. از میان فرایندهای ادراکی، دو فرایند دیدن و شنیدن کاربرد بسیاری در این منظومه داشته است.

مرد می‌باید که باشد شه‌شناس
کو ببیند شاه را در صد لباس
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۳۵)

تو شنیدی بانگ از اهل مجاز
پس به جای خود فرستادیش باز
(همان: ۲۵۸)

۲.۲.۲. ذهنی - شناختی

نه بدانستیم و نه بشناختیم
نه زمانی نیز دل پرداختیم
(همان: ۲۳۹)

نفس سگ را هم خر خود ساختم
(همان: ۳۲۱)

لیک چون من سر دین بشناختم

۲. ۲. ۳. ذهنی - درخواستی

گفت: کار امتم با من گذار
(همان: ۲۵۸)

سید عالم بخواست از کردگار

۲. ۲. ۴. ذهنی - عاطفی

ظن برد کاین جا بترسیدم مگر
(همان: ۳۳۵)

هر که را من زرد آیم در نظر

۲. ۳. فرایند رابطه‌ای

این فرایند، سومین فرایند به کار رفته در منطق الطیر است. از مجموع ۲۸۳۶ فرایند، ۵۹۴ مورد اختصاص به فرایندهای رابطه‌ای دارد. فرایندهای رابطه‌ای، ابزاری مهم در جهت توصیف و تبیین روابط در این منظومه به شمار رفته و این فرایندها، به درک بهتر مفاهیم عرفانی کمک بسیاری کرده است. شاعر با استفاده از این فرایند، به توصیف تجربه ناب عرفانی خویش پرداخته است که در ورای این تجربه توصیف ناپذیر، انبوهی از معانی عمیق عرفانی وجود دارد. از میان فعل‌های رابطه‌ای، فعل‌هایی چون بود، شد، گشت و است، بسامد بیشتری نسبت به دیگر فرایندهای رابطه‌ای دارد.

هم سگ و هم کامل و هم کافر است
(همان: ۳۲۰)

نفس تو هم احوال و هم اعور است

این نظر، مرد معطل را بود
(همان: ۲۳۶)

در غلط افتادن احوال را بود

بحر آبی گشت از تشویر او
(همان: ۲۳۵)

کوه چون سنگی شد از تقدیر او

فرایندهای رابطه‌ای به سه بخش «تأکیدی، ملکی و پیرامونی» (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱) تقسیم کرده‌اند که در زیر به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته‌ایم.

۲.۳.۱. فرایند رابطه‌ای - تأکیدی

فرایندهایی هستند که در آن‌ها، «یک فعل پیوندی، رابطه‌ای میان دو عنصر شرکت کننده برقرار می‌کند که این رابطه، از نوع قیدی یا مالکیت نیست. بنابراین، هر فرایند رابطه‌ای که موقعیتی یا ملکی نباشد، تأکیدی است. مانند سکوت، نشانه رضاست» (همان: ۱۵۱).

او، نه یک زن بود، او صد مرد بود او از قدم تا فرق عین درد بود

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۵۷)

کار عالم عبرت است و حسرت است حیرت اندر حیرت اندر حیرت است

(همان: ۲۴۰)

۲.۳.۲. فرایند رابطه‌ای - موقعیتی

این فرایند، «موقعیت و جایگاه شرکت کننده از نظر زمان، مکان، حالت و... بیان می‌شود. مانند اتاق رییس، در طبقه آخر است و وقت ملاقات فرداست» (همان: ۱۵۱).

گلخن دنیا که زندان آمده است سر به سر اقطاع شیطان آمده است

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۳۲۳)

گر پلاسی، خوابگاهت آمده است آن پلاست، بند راحت آمده است

(همان: ۳۲۶)

۲.۳.۳. رابطه‌ای - ملکی

این فرایند، دارا بودن یا مالکیت چیزی را توسط یک اسم نشان می‌دهد.

تاجری مالی و ملکی چند داشت یک کنیزک با بسی چون قند داشت

(همان: ۳۳۳)

نومریدی داشت اندک مایه زر کرد زر پنهان ز شیخ خود مگر

(همان: ۳۲۶)

۲. ۴. فرایند کلامی

فرایندهای کلامی، نقش بسزایی در تعلیم و درک هر چه بهتر مفاهیم عرفانی و تفسیر نمادهای به کار رفته در منطق الطیر دارد. عطار، در اغلب داستان‌ها و تمثیل‌های منطق الطیر، از عنصر گفت‌وگو، در جهت گسترش پی‌رنگ و توالی رویدادها سود جسته است. «اهمیت گفت‌وگو در منطق الطیر، از عنصر داستانی فرا رفته و به صورت قالب داستانی درآمده است» (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۹۳). فرایندهای کلامی، در منطق الطیر در جهت جبران نقصان معناست و سبب شکل‌گیری تعامل، میان شخصیت‌ها گشته است؛ در این منظومه، از یک سو پرندگان، برای گام نهادن در سیر و سلوک، عذر و بهانه‌هایی برای مجاب کردن همداد ذکر می‌کنند و از سویی دیگر، تمامی تلاش همداد بر آن است که با توصیف سیمرخ، پرنده‌ها را ترغیب به پرواز به سوی کوه قاف کند. از این رو، محور تمامی داستان‌ها، بر مدار گفت‌وگو می‌چرخد. خلق فرایندهای کلامی و پرسش و پاسخ در تمثیل‌ها، یکی از ابزارهای داستان‌پردازی عطار به شمار می‌رود که سبب می‌شود، مخاطب علاوه بر پی‌گیری داستان، به انواع گفتمان‌های موجود در آن‌ها پی‌برد و با جهان‌بینی و طرز بینش خاص هر یک از پرندگان آشنا شود. فرایندهای کلامی، از یک سو سبب اقناع مخاطب می‌شود و از سویی دیگر، در جریان گفت‌وگوها، حقایقی را که فراتر از سطح نامحرمان اسرار است، از تهمت بدگمانی می‌رهاند، چرا که برخی از افراد ظرفیت شنیدن و درک آن مفاهیم ناب را ندارند و چه بسا ممکن است، آن را از بن انکار کنند.

در منطق الطیر، از مجموع ۲۸۳۶ فرایند، ۳۱۲ مورد به فرایندهای کلامی اختصاص دارد. از فرایندهای کلامی به کار رفته در منطق الطیر می‌توان به فعل‌هایی چون گفت،

پرسید، بانگ زد، ناله کرد (= آواز خواند)، بخواند (= احضار کرد)، گزارش دادن و کنایه‌هایی چون «دم مزن» و «دم درکشید» و استعاره‌هایی چون «گهر از زفان افشاندن» اشاره کرد.

حق تعالی گفت: ای ملعون راه

هم خلیفه‌ست آدم و هم پادشاه

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۳۸)

زویکی پرسید کای صاحب قبول

تو چه می‌گویی ز یاران رسول؟

(همان: ۲۵۸)

۲.۵. فرایند وجودی

این فرایند، بر بود و نبود پدیده‌ها یا هستی و نیستی آن‌ها دلالت دارد. از میان فرایندهای وجودی به کار رفته در منطق الطیر می‌توان به فعل‌هایی چون هست، نیست، بماند، آویزان بودن و... اشاره کرد. از مجموع ۲۸۳۶ فرایند به کار رفته در پیکره تحقیق، ۱۳۶ مورد به فرایند وجودی اختصاص دارد.

سرمکش چون سرنگونی مانده‌ای

تن بنه چون غرق خونی مانده‌ای

(همان: ۲۶۲)

درنگر! کاین عالم و آن عالم اوست

نیست غیر او و گر هست آن هم اوست

(همان: ۲۳۵)

۲.۶. فرایند رفتاری

این فرایند، به رفتارهای فیزیولوژی بدن اطلاق می‌گردد و عطار در منطق الطیر، برای نشان دادن کنش‌های پرندگان و رفتارهای آنان از این فرایند استفاده کرده است. به عبارتی دیگر، شاعر از این فرایند برای به تصویر کشیدن حالت‌های روحی شخصیت‌ها در تمثیل‌ها سود جسته است. فرایندهای رفتاری، کمترین بسامد را در منطق الطیر دارا هستند و از مجموع ۲۸۳۶ فرایند، ۹۰ مورد اختصاص به فرایند رفتاری دارد.

از میان انواع فرایندهای رفتاری به کار رفته در منطق الطیر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲.۶.۱. فرایند رفتاری - شبه ذهنی

فرایندهای شبه ذهنی، فرایندهای «ارادی هستند که به صورت رفتار تبلور می‌یابند. مانند نگاه کردن، تماشا کردن، نگران بودن، خواب دیدن، خیره شدن و...» (Halliday & Matthiessen, 2004: 251).

پادشاه! در من مسکین نگر
 گرز من بد دیدی، آن شد، این نگر
 (عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

یک نظر سوی من غمخواره کن
 چاره کار من بیچاره کن
 (همان: ۲۴۹)

۲.۶.۲. فرایند رفتاری - ارادی

این فرایند، بیانگر «حالت هوشیاری و ارادی شرکت کننده است. فعل‌هایی چون آه کشیدن، ناله کردن، گریه کردن، خروپف کردن، اخم کردن، جیغ کشیدن، لبخند زدن، بغض کردن و...» (Ibid: 251).

نیم شب، دیوانه‌ای خوش می‌گریست
 گفت: این عالم بگویم من که چیست؟
 (عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۳۵۲)

۰۳ فرانش بینافردي

در این بخش، با تحلیل ۳ بند، به عنوان نمونه، به تجزیه بخش‌های مختلف فرانش بینافردي در منطق الطیر پرداخته‌ایم.

جدول شماره ۱

خفته بود	به زاری	بر سر خاکی	آشفته بود	از فرط عشق	عاشقی	بند
----------	---------	------------	-----------	------------	-------	-----

						ساخت
فعل واژه	متمم	متمم	فعل واژه	متمم	فاعل	ساخت وجهی بند
عنصر خودایستای فعل			عنصر خودایستای فعل			
قطبیت مثبت			قطبیت مثبت			
گذشته بعید			گذشته بعید			

جدول شماره ۲

نشاند	بر تختش	و	کرد	تاج- دارش	خواند	محمود	ایاز خاص را	بند ساخت
فعل واژه	متمم	ادات وجهی	فعل واژه	متمم	فعل واژه	فاعل	متمم	ساخت وجهی بند
عنصر خودایستای فعل			عنصر خودایستای فعل		عنصر خودایستای فعل			
قطبیت مثبت			قطبیت مثبت		قطبیت مثبت			
گذشته ساده			گذشته ساده		گذشته ساده			

جدول شماره ۳

آسان می‌نداد	به عزرا بیل	جان	اوفتاد	در نزع	خلیل الله	چون	بند ساخت
فعل واژه عنصر خودایستای فعل	متمم	متمم	فعل واژه عنصر خودایستای فعل	متمم	فاعل	ادات وجهی	ساخت وجهی بند
قطبیت منفی گذشته استمراری			قطبیت مثبت گذشته ساده				

۳. ۱. ۱. ادات

علاوه بر فاعل، متمم و عنصر خودایستای فعل در بند، مولفه دیگری به نام «ادات» وجود دارد که نقش بسزایی در انتقال معنا و طرز نگرش یک شاعر یا نویسنده در سازه‌های نحوی دارد. هلیدی، ادات را به ۳ بخش «کیفی، کلامی و موقعیتی» (Halliday & Matthiessen, 2004: 125) تقسیم کرده است که در زیر به بررسی هر یک از آن‌ها پرداخته‌ایم.

۳. ۱. ۱. ۱. ادات کیفی

از طریق ادات کیفی می‌توان، به تفسیر واژه‌ها و ارتباط آن با سایر عوامل اثرگذار در یک متن دست یافت. هلیدی، ادات کیفی را به دو دسته «ادات وجهی» و «ادات نگرشی» (Ibid: 126) تقسیم کرده است که هر یک می‌توانند، در جایگاه مبتدا قرار گیرند.

۳. ۱. ۱. ۱. ۱. ادات وجهی

ادات وجهی، «ارتباط تنگاتنگی با معنی وجه و ساختار آن دارند که هدف از آن وجهیت، زمان‌مندی و تأکید است» (Ibid: 126). از ادات وجهی می‌توان به اداتی چون معمولاً، قطعاً، همیشه، به آسانی، هرگز، ابتدا، اصلاً، حتماً، هنوز، به زودی، گه‌گاه، کاملاً، تقریباً و... اشاره کرد.

در منطق الطیر، ادات وجهی جایگاهی متغیر دارند و در تمامی قسمت‌های یک بند می‌توانند قرار گیرند و ساخت اطلاعی بند را از حالت بی‌نشان، به نشان‌دار مبدل می‌کنند.

حاجت این لشکر گریز نبود این بگفت و گویی هرگز نبود

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۴۲۰)

هستم از جان بنده این در هنوز گر شدم عاشق نیم کافر هنوز

(همان: ۴۱۹)

۳. ۱. ۱. ۲. ادات نگرشی

ادات نگرشی، در ساختمان بینافردی یک بند، نقش مؤثری دارند. این ادات، طرز نگرش شاعر یا نویسنده را نسبت به یک گزاره نشان می‌دهد و نیز دربرگیرنده یک عقیده، جهت‌گیری، توصیف و توجیه ادعایی است که شخص آن را مطرح کرده است. ادات نگرشی، شامل اداتی چون البته، به سادگی، بی‌تردید، به غیر، بجز، خوشبختانه، امیدوارانه، به درستی، بدون شک، احمقانه، دراصل و... است.

در منطق الطیر، عطار از تمامی امکانات زبانی بهره می‌جوید تا میزان قاطعیت خویش را نسبت به حقیقت گزاره‌ها بیان کند.

درنگر کاین عالم و آن عالم اوست نیست غیر او و گر هست آن هم اوست

(همان: ۲۳۵)

هرچه در بعد دل است از قرب حس هم حرام افتد بلاشک هم نجس

(همان: ۳۶۶)

۳. ۱. ۲. ادات کلامی

این نوع ادات، «ارتباط منطقی میان بندها را با ایجاد انسجام در متن برقرار می‌کند» (Halliday&Matthiessen, 2004: 132). از ادات کلامی می‌توان، به اداتی

چون علی‌رغم، با این وجود، به طور خلاصه، درحقیقت، در نتیجه، به عبارتی دیگر و ... اشاره کرد.

او چو آمد در ره تو بی مجاز
درحقیقت، توره او گیر باز
 (عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

این زمان باری سخن کردم تمام
 کار باید چند گویم والسّلام
 (همان: ۴۳۵)

۳.۱.۳. ادات موقعیتی

ادات موقعیتی، اداتی هستند که به توصیف مکان، زمان، مقدار، کمیت، کیفیت، وضعیت، علت و ... می‌پردازند.

دایم از تلخی مرگم این چنین
 آب من زان است ناشیرین چنین
 (همان: ۳۳۹)

ور به تگ استی و دایم می‌دوی
 تا ابد بانگ درایی نشوی
 (همان: ۳۹۹)

۳.۲. قطبیت

منظور از قطبیت در یک متن، آن است که «یک گزاره، از چه میزان اعتبار مثبت یا منفی برخوردار است» (Thompson, 2004: 45).

در منطق الطیر، اغلب بندها دارای قطبیت مثبت هستند.

گفت: هر کس را که اهلیت بود
 محرم سرّ الوهیت بود
 گر کند گستاخی او را رواست
 زانکه دایم رازدار پادشاست
 (عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۳۵۶)

در قطبیت منفی، فعل به وسیله نشانه‌هایی چون «ن» و «م» منفی می‌شود و معنایی منفی به خود می‌گیرد. «مفهوم منفی، کاربردهای متنوعی در زبان دارد؛ گاه برای مشخص

کردن مفاهیم مهم، گاه برای بیان اخطار و هشدار و گاه برای صدور دستورالعمل به کار می‌رود و گاهی نیز برای تأکید بیشتر از نفی مضاعف استفاده می‌شود. مفهوم نفی را می‌توان به کمک واژه‌های دارای مفهوم منفی یا با استفاده از نشانه‌های صوری نفی بیان کرد. همچنین تقابل یا تضاد را نیز می‌توان با واژه‌های متضاد نشان داد» (شقایق، ۱۳۸۱: ۸۷).

نفس تو باتوست جز آگه مباش

(همان: ۳۶۴)

درنگنجد هیچ کس این جایگاه

(همان: ۴۱۶)

غره این روشنی ره مباش

نیست چون محرم نفس این جایگاه

۳.۳. وجه فعل

وجه فعل، بیانگر سبک، نگرش و جهان‌بینی یک شاعر یا یک نویسنده در سازه‌های نحوی است و عبارت است از «میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی، به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور (کنش غیر بیانی) یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پای‌بندی او به واقعیت یک گزاره یا باور‌پذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است. وجه، مقوله‌ای نحوی - معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را در جمله نسبت به موضوع سخنی که بیان می‌کند، نشان می‌دهد. وجه، در ساختمان بند از آن جهت اهمیت دارد که حاکی از جهت‌گیری‌های خاص نویسنده است، نسبت به آنچه می‌گوید» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۵). وجه، «تشکیل دهنده هسته اصلی گفت‌وگو و تعیین‌کننده نوع تقابل و نشان‌دهنده نگرش گوینده در تعامل اجتماعی است» (Bloor & Bloor, 1997: 45).

در منطق الطیر می‌توان، انواع وجه را به ۹ دسته که عبارتند از وجه اخباری، التزامی، معرفتی، تمنایی، عاطفی، پرسشی، مصدری، شرطی و امری تقسیم کرد که در زیر به بررسی هریک از آنها پرداخته‌ایم.

۳.۳.۱. وجه اخباری

در وجه اخباری، با وقوع و عدم وقوع رخدادها مواجه هستیم. این وجه، محتمل یا نامحتمل بودن واقعه‌ای را در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده را در بند به طور قطع و یقین نشان می‌دهد. از میان ۲۹۰۰ بند، ۲۲۷۷ مورد به وجه اخباری اختصاص دارد که بیانگر «ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۷).

چون بینم روی آن شه‌زاد خوش	صد هزاران جان توانم داد خوش
شاه چون بشنود از آن مه این جواب	در زمان درجست دل پر خون ز خواب
	(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۴۱۹ و ۴۳۴)

۳.۳.۲. وجه التزامی

این وجه، «بیانگر جهت‌گیری و حالت گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان است. در وجه التزامی، این جهت‌گیری به طور ضمنی یا صریح در سخن به ترتیب از ضعیف به جانب شدید است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۷). از میان ۲۹۰۰ بند، ۳۵ مورد به وجه التزامی در منطق الطیر اختصاص دارد.

۳.۳.۲.۱. تقاضا یا درخواست

خواستی هم مادر او هم پدر	تا دمی بیند روی آن پسر
	(همان: ۴۳۰)

۳.۳.۲.۲. فرمان

این بگفت و امر کرد آن شهریار	تا ببستند آن پسر را استوار
	(همان: ۴۳۱)

۳.۳.۳. وجه معرفتی

وجه معرفتی، دربرگیرنده هویت‌های کلامی گوناگون، باور و شناخت گوینده است. این وجه، «دربردارنده نظر و درجه تعهد گوینده بر اساس اطلاع و دانش و شواهد موجود نسبت به محتوای جمله است» (لاینز، ۱۳۹۱: ۲۶۵۹). این وجه، «نمی‌تواند حاوی حقیقتی قطعی باشد. بیان خبر، در اصل به معنی اظهار یک گزاره و هم‌زمان با آن، ابراز نظر نسبت به آن گزاره است و به همین دلیل، ادات وجهی معرفتی، توصیف و تعدیل گوینده محور از درستی گزاره را نشان می‌دهد که تعهد معرفتی نامیده می‌شود. اصطلاح انگلیسی «epistemic» از واژه یونانی به معنی «معرفت» شکل گرفته است و منطق دانان، از آن برای ارجاع به شاخه‌ای از منطق موجه‌ها بهره می‌گیرند که به معرفت و امور مرتبط با آن مربوط می‌شود. وقتی ما گزاره‌ای را بیان می‌کنیم، خود را نسبت به آن متعهد کرده‌ایم، آن هم نه به این معنا که صادق بودنش را باور داریم، بلکه به این معنا که بعد از بیان این خبر، هرچه بگوییم و هر رفتاری که از خودمان و مخاطبان سر بزنند، مبتی بر صدق آن خبر است» (همان: ۳۶۳). این وجه دربرگیرنده قیدها و فعل‌هایی چون باری، هرگز، به طور مسلم، شاید، پنداری، یقین دانستن، گمان بردن، ندانستن و... است. در منطق الطیر، از میان ۲۹۰۰ بند، ۵۰ مورد به وجه معرفتی اختصاص دارد.

از تف یک توبه برخیزد ز راه	تو یقین می‌دان که صد عالم گناه
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۲۹۹)	
چون دلم با اوست چون میرم کنون	شایدم گر نوحه درگیرم کنون
(همان: ۳۶۹)	
بی‌زفان کردند از آن حضرت سوال	چون ندانستند هیچ از هیچ حال
(همان: ۴۲۶)	

۳.۴. وجه تمنایی

این وجه، به مفاهیمی چون امید، آرزو و دعا اطلاق می‌گردد و دربرگیرنده قیدها و فعل‌هایی چون بوک، امید است، کاش، کاشکی، مباد، باد، آرزو دارم و... است. «در

فارسی دری دوره نخستین، بازمانده وجه تمنایی فارسی میانه به صورت «ی: e»، یعنی یای مجهول که به آخر صیغه‌های ماضی و مضارع افزوده می‌شود، به‌ویژه در جمله‌هایی که با کلمه «کاشکی» آغاز می‌شود (خانلری، ۱۳۸۲: ۱۱۸). در منطق الطیر، از میان ۲۹۰۰ بند، ۲۵ مورد به وجه تمنایی اختصاص دارد.

وز دلم گم گشتی این درد و دریغ (همان: ۴۳۴)	کاشکی حلقم بریدندی به تیغ
هر که درمان خواهد او جانش مباد (همان: ۴۳۶)	هر که را دردی است، درمانش مباد
بوکه بتوانی شناخت و کار ساخت (همان: ۳۹۹)	چون شناسی کار؟ چون نتوان شناخت

۳.۳.۵. وجه عاطفی

این وجه، دربرگیرنده «شور، هیجان و احساسات گوینده و نشان دهنده دوستی یا نفرت وی نسبت به موضوع است. بیان احساساتی مانند اندوه، شادی، درد، لذت، ستایش و آفرین، نفرت و کینه، شگفتی، حسرت یا افسوس، تعجب، نفرین و... با این وجه صورت می‌گیرد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۹-۲۸۸). از میان ۲۹۰۰ بند، ۲۰ مورد به وجه عاطفی در منطق الطیر اختصاص دارد.

با که بتوان گفت: آخر درد این (عطار نیشابوری: ۳۷۴)	ای دریغا! نیستی تو مرد این
نعره‌ای زد کآسمان پر جوش شد (همان: ۲۹۹)	مرد، از شادی آن مدهوش شد

۳.۳.۶. وجه پرشی

وجه پرسشی، وجهی است که مفهوم پرسش را گاه به وسیله ادات پرسشی و گاه بدون ادات و با آهنگ و لحن کلام به صورت پرسشی بیان می کند.

پیر کرد آن قوم را حالی سوال گفت: چیست این نقد؟ بر گوید حال
(همان: ۴۴۳)

هر که می گوید، سخن می نشنوی پیش این سر پا برهنه می دوی؟
(همان: ۳۵۳)

در منطق الطیر، وجه پرسشی دارای ۷۰ بند است و از پرسامدترین ادات پرسشی به کار رفته در این منظومه، می توان به کو، کی، کجا، چه، چون (در معنی چگونه) و کیست اشاره کرد. اغلب سوال های مطرح شده، کنش کلامی مستقیمی را در بر ندارد و نیز در پی پاسخ گویی به امری نیست.

۳.۳.۷. وجه مصدری

وجه مصدری، فعلی است که «به صورت مصدر درآمده باشد. مانند رفت، در «باید رفت». وجه مصدری، امروزه بیشتر از مصدر کوتاه (مرخم) فعل های شبه معین است. یعنی فعل هایی مانند باید، بایست، بایستی، می توان، بتوان، نمی توان، می شود و...» (انوری و عالی، ۱۳۹۱: ۹۴). از میان ۲۹۰۰ بند، ۲۳ مورد به این وجه در منطق الطیر اختصاص دارد.

گفت: ای مدبر دو کم بایست خورد تا چو من می رفتی آزاد و فرد
(همان: ۳۷۰)

در گذر از زاهدی و سادگی درد باید درد و کار افتادگی
(همان: ۴۳۶)

۳.۳.۸. وجه شرطی

این وجه، دربرگیرنده ادات شرطی در هر بند است و یا بند، از حیث معنایی، محتوای شرطی داشته باشد. با بررسی‌های به عمل آمده، از میان ۲۹۰۰ بند، ۱۰۰ مورد دارای وجه شرطی در منطق الطیر است.

گر تو یک لطف و اگر صد می کنی
از خداوندی تو با خود می کنی
(عطار نیشابوری، ۱۳۸۹: ۴۰۷)

۳.۳.۹. وجه امری

این وجه، بیانگر انجام فرمان یا منع از آن و درخواست کاری است. وجه امری، «وقوع فعل یا داشتن و پذیرفتن حالتی را طلب می کند» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۹: ۷۲).

عفو کن دون همتی‌های مرا
محو کن بی حرمتی‌های مرا

(همان: ۲۴۴)

پیر باید راه را تنها مرو
از سر عمیا درین دریا مرو

(همان: ۳۰۷)

از میان ۲۹۰۰ بند، ۳۰۰ بند به وجه امری در منطق الطیر اختصاص دارد. از آنجا که در عرفان با شایسته‌ها و نشایسته‌ها و گزاره‌های اخلاقی مواجه هستیم، عطار از این وجه، پس از وجه خبری استفاده بیشتری در این منظومه کرده است. «کاربرد فعل امری، چه با معنای حقیقی و چه با معنای ثانوی، بیانگر اهمیت این مباحث بلاغی در زبان عرفانی و متون تعلیمی است» (مجوزی، ۱۴۰۱: ۲۷۸).

۴. نتیجه‌گیری

با کاربست فرانش‌های اندیشگانی و بینافردی هلیدی در منطق الطیر، نتایج زیر به دست آمد:

۱. فرانش‌های اندیشگانی و بینافردی، سازنده معنی متن هستند و رابطه‌ای تنگاتنگ میان بافت موقعیتی متن و مضمون آن برقرار می‌کنند و نیز، نقش بسزایی در تفسیر و تأویل متن دارند.

۲. از میان فرانش‌های اندیشگانی، به ترتیب فرانش مادی، ذهنی، رابطه‌ای، کلامی، وجودی و رفتاری بیشترین و کمترین بسامد در منطق الطیر دارا هستند. فراوانی فرانش مادی، بیانگر آن است که عطار در صدد تصویرسازی مفاهیم انتزاعی و مراحل دشوار سیر و سلوک بوده است. او، در سراسر منطق الطیر، سالک را برای رسیدن به کهن الگوی خویش‌ترغیب می‌کند. از این رو، نه‌راسیدن از وادی‌ها و گام نهادن در طی طریق را با فعل‌های مادی در تمثیل‌ها به تصویر کشیده است. اغلب فرایندهای مادی‌ای که عطار در این منظومه به کار برده، از نیروی انگیزشی قوی‌ای برخوردار است که سبب ایجاد وحدت در سی مرغ می‌گردد.

۳. از میان فرایندهای مادی، فرایند عینی، بیشترین بسامد و فرایند غیر ادرای، کمترین بسامد، در این منظومه دارا هستند. فراوانی این فرایند، بیان‌کننده حضور قوی کنش‌گر است و بر وقوع کنش‌ها و ملموس و عینی بودن آن‌ها تأکید بسیار دارد.

۴. در فرایندهای ذهنی، تأکید عطار بر تأمل و تفکر در خویش‌ترغیب است تا مخاطب بتواند به درک درستی از جهان درون خود دست یابد. از میان فرایندهای ذهنی، فرایند ادراکی بیشترین بسامد و فرایند درخواستی کمترین بسامد، در این منظومه دارا هستند. در فرایند ادراکی، دو فعل «دیدن» و «شنیدن» فزونی بیشتری، نسبت به دیگر انواع فعل دارد.

۵. عطار از فرایندهای رابطه‌ای، برای توصیف و تبیین روابط استفاده کرده است. از میان انواع فرایندهای رابطه‌ای، فرایند تأکیدی بیشترین بسامد و فرایند ملکی، کمترین بسامد

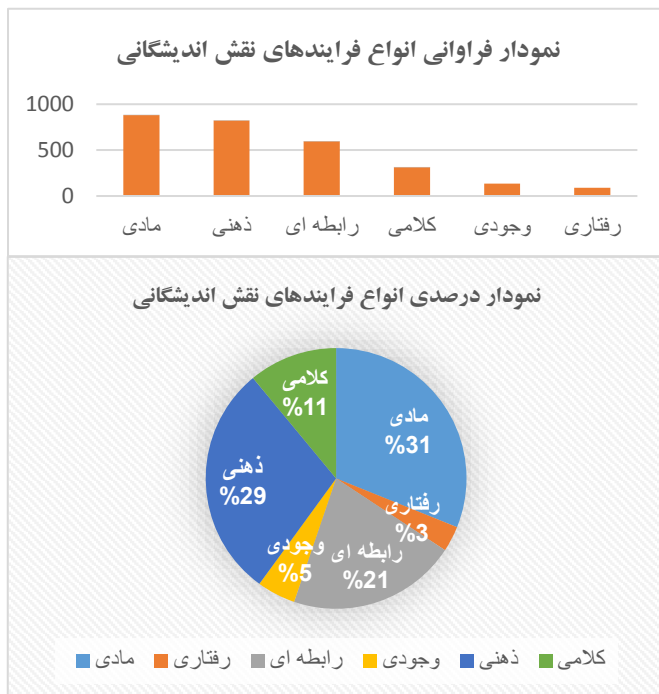
دارا هستند. فراوانی فرایندهای تأکیدی بیانگر آن است که عطار در پی برجسته‌سازی این گونه فعل‌ها بوده است تا توجه مخاطب را به این گونه فعل‌ها که نقش مهمی در روابط و متصل ساختن جهان درون و بیرون شاعر دارد، جلب کند.

۶. عطار، از فرایندهای کلامی در جهت گسترش پی‌رنگ و توالی رویدادها سود جسته است. این فرایند، انعکاس دهنده هر آنچه که در ذهن است، می‌شود. از آنجا که محور داستان بر عنصر گفت‌وگو می‌چرخد، فعل «گفت» و مصدرهای حاصل از آن بسامد فراوانی در این منظومه دارد و پیش‌برنده داستان‌هاست و نیز، سبب اقناع مخاطب می‌گردد.

۷. در فرایندهای وجودی، فعل‌هایی که دلالت بر موجود بودن/ نبودن و باقی ماندن/ نماندن دارد، فزونی بیشتری نسبت به دیگر انواع فعل‌های وجودی دارد.

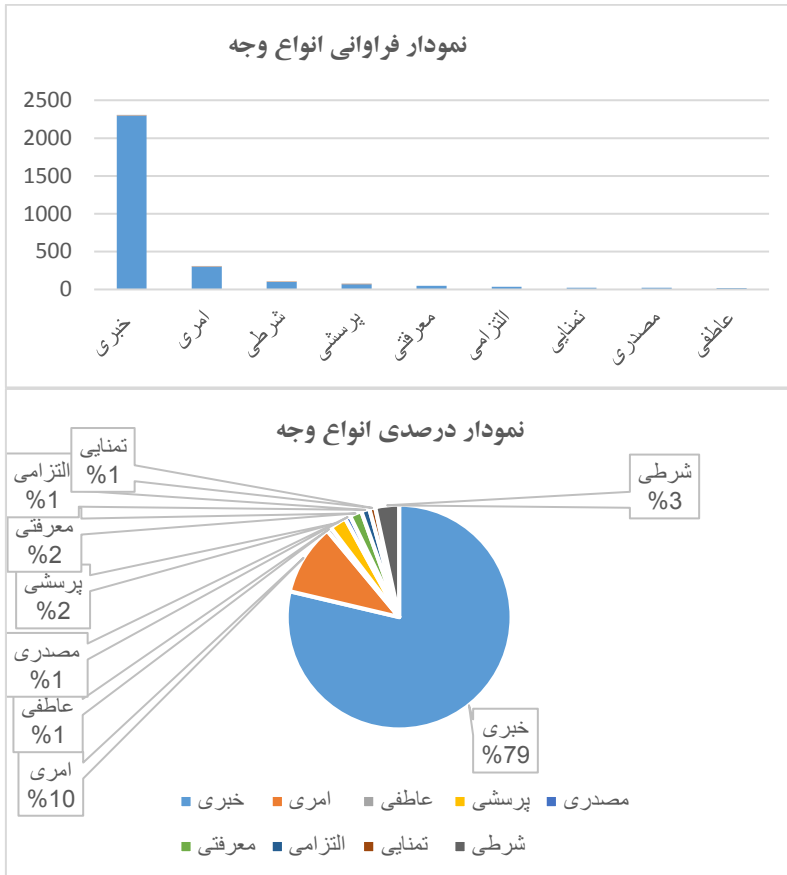
۸. عطار از فرایندهای رفتاری، برای به تصویر کشیدن رفتارهای فیزیولوژیکی و حالت‌های درونی شخصیت‌ها استفاده کرده است. از میان فعل‌های شبه ذهنی، فعل «بنگر» و از میان فعل‌های ارادی، فعل «گریستن» فزونی بیشتری نسبت به دیگر فعل‌های رفتاری دارد.

نمودار ۱: فرانش اندیشگانی



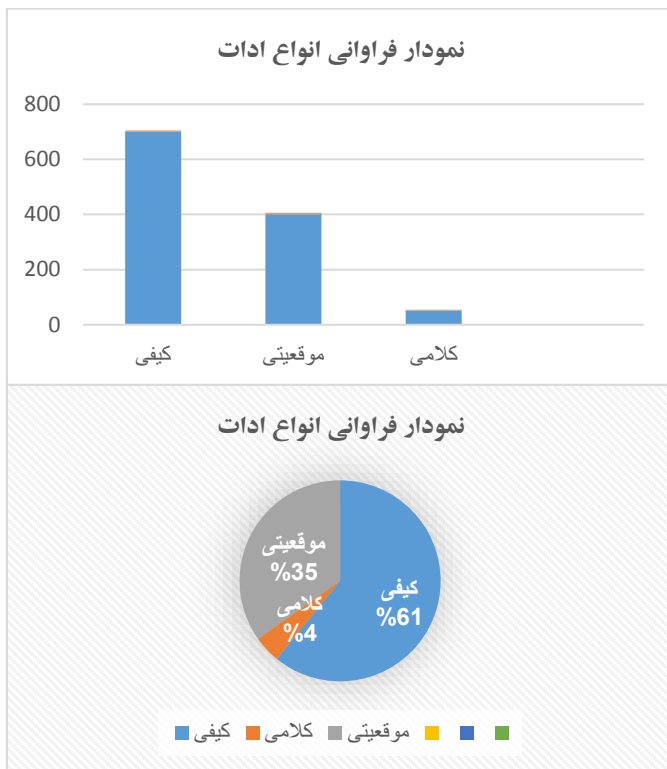
۹. با بررسی های به عمل آمده، وجه خبری بسامد فراوانی نسبت به دیگر انواع وجه در منطق الطیر دارد. عطار در اغلب گزاره ها، از تحمیل نظر خویش بر مخاطب پرهیز کرده است و با نظری بی طرفانه از او درمی خواهد تا به تفکر و تعمق در حقیقت گزاره ها بپردازد. از این رو، گاه با استفاده از کنش های کلامی و افزودن دامنه پی رنگ و گاه با باز گذاشتن زاویه دید باز، مخاطب را به معرفت شناسی، آگاهی سازی درونی و تصمیم درباره آنها ترغیب می کند. به عبارتی دیگر، عطار تصمیم گیری درباره آنچه را که در گزاره های مختلف بیان کرده است، به شخص مخاطب واگذار کرده و دخالتی در این امر نکرده است. پس از وجه خبری، به ترتیب وجه های امری، شرطی، پرسشی، معرفتی، التزامی، تمنایی، مصدری و عاطفی بیشترین و کمترین بسامد را در این منظومه دارا هستند.

نمودار ۲: انواع وجه



۱۰. از میان ادات، ادات کیفی بیشترین و ادات کلامی، کمترین کاربرد را در منطق الطیر دارند. از میان انواع ادات کیفی، ادات وجهی بیشتر از ادات نگرشی در منطق الطیر به کار رفته است. فزونی ادات وجهی بیانگر آن است که عطار درصدد آشناسازی مخاطب با اندیشه‌ها، حالت‌های درونی، بینش و جهان‌بینی خویش و از طریق همین ادات وجهی است که مخاطب می‌تواند، به واقع‌نمایی تمثیل‌ها و گفتمان‌های موجود در متن پی ببرد.

نمودار ۳: انواع ادات



۱۱. اغلب بندها در منطق الطیر، دارای قطبیت مثبت هستند و عطار، از قطبیت منفی کمتر استفاده کرده است. هر دو قطبیت مثبت و منفی، مخاطب را با گفتمان‌های موجود در متن و ایدئولوژی پنهان در آن آشنا می‌کند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران (۱۳۹۰) «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل، رویکرد نقش-گرا»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۴، ش ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۲۵۴-۲۴۳.
- اعلایی، مریم و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی: در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، از منظر فرانش بینافرادی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، صص ۲۳۳-۲۱۱.

- امیرخانلو، معصومه (۱۳۹۴) «سبک‌شناسی غزل‌های حافظ براساس فعل، رویکر نقش‌گرا»، ادب فارسی، س ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۶)، صص ۱۸۶-۱۶۹.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۹) **دستور زبان فارسی ۲**، تهران: سمت.
- انوری، حسن و عالی، یوسف (۱۳۹۱) **دستور زبان فارسی ۱**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- تولان، مایکل (۱۳۹۳) **روایت‌شناسی، درآمدی زبان شناختی - انتقادی**، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی. تهران: سمت.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۹) «همبستگی سطوح روایت و فراکارکردهای هلیدی در داستان **حسنک وزیر**»، ادب پژوهی، ش ۱۲، صص ۸۷-۶۹.
- خانلری، پرویز (۱۳۸۲) **دستور تاریخی زبان فارسی**، تهران: توس.
- رفاهی، سمانه (۱۴۰۱) «مقایسه عناصر انسجام در دو تذکره از تذکره الاولیای عطار (بخش اصلی و الحاقی)، بر مبنای دستور نظام‌مند نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و حسن»، مطالعات زبانی و بلاغی، س ۱۳، ش ۲۸، صص ۱۳۲-۱۰۹.
- زرّین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶) **بحر در کوزه**، تهران: علمی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۱) «پیشوند نفی در زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، س ۵، ش ۴ (پیاپی ۲۰)، صص ۹۶-۸۵.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۹) **منطق الطیر**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰) **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن.
- قنبری عبدالملکی، رضا و فیروزیان پور اصفهانی، آیلین (۱۴۰۰) «سبک‌شناسی گفتمان داستان کوتاه دهلیز، از منظر فرانش اندیشگانی و متنی، بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، پژوهش‌های زبانی، س ۱۲، ش ۱، صص ۱۹۲-۱۷۲.
- لاینز، جان (۱۳۹۱) **درآمدی بر معناشناسی زبان**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: علمی.

- مجوزی، محمد (۱۴۰۱) «تحلیل زیبایی‌شناسی فعل در منطق الطیر عطار نیشابوری»،
مطالعات زبانی و بلاغی، س ۱۳، ش ۳۰، صص ۲۹۴-۲۶۳.

- محمدیان، امیر و همکاران (۱۳۹۳) «بررسی و تحلیل جمله‌های بیان‌کننده درد در زبان
فارسی با استفاده از مدل هلیدی»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش ۱۰، صص ۱۶۴-۱۴۳.

- مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۹۳) به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: آگه.

- منشی‌زاده، مجتبی و الاهیان، لیلا (۱۳۹۴) «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان؛ متأثر از
حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند»، جستارهای زبانی، س ۶، ش ۶، صص ۲۷۹-
۲۵۹.

- Bloor, T & Bloor, M (1997) **The Functional Analysis of English: A Halliday Approach**, London: Edward Arnold Publication.

- Halliday, M (1978) **Language as Social Semiotics**, London: Edward Arnold Publication.

- Halliday, M (1994) **Introduction to Functional Grammar**, London: Edward Arnold Publication.

- Halliday, M.A.K & Matthiessen, C.I.M (2004) **An Introduction to Functional Grammar**, London: Edward Arnold Publication.

- Leech, G. N (1988) "Stylistics and Functionalism", in C. MacCabe, N. Fabb, D. Attridge, **The Linguistics of Writing: Arguments Between Language and Literature**, Routledge.

- Thompson, G (2004) **Introducing Functional Grammar**, New York: Arnold.

منابع آوانگاری و ترجمه:

- Agha Golzadeh, Ferdous & Others(2011) " **Story stylistics based on the verb, role-oriented approach**, Stylistics of Persian poetry and prose, N1(11), PP 243-254.
- Alaei, Maryam & Others(2010) " **Examining the exchange of meaning in humanities textbooks: in the framework of Halliday's role-oriented systematic order, from the perspective of interpersonal trans-rolé**, Persian language and literature research, N 17, PP 211- 233.
- Amirkhanlow, Masoumeh(2014) " **The stylistics of Hafez's qazals is based on the verb, role-oriented approach**, Persian literature, N2(16), PP 169- 186.
- Anvari, Hasan & Alli, Yousof(2012) **Persian grammar 1**, Tehran: Payam Noor university.
- Anvari, Hasan & Ahmadi Givi, Hasan(2000) **Persian grammar 2**, Tehran: Samt.
- Attar Neyshaburi, Farid-al-Din(2010) **Manteq-Al- Taysr**. Introduction by Mohammad Reza Shafieye Kadkani, Tehran: Sokhan.
- Bloor, T & Bloor, M(1997) **The Functional Analysis of English: A Halliday Approach**, London: Edward Arnold Publication.
- Fotohi, Mahmoud (2011) **Stylistics, theories, approaches and methods**, Tehran: Sokhan.
- Ganbari Abdolmalaki, Reza & Firouziyan poor Esfahani, Aylin(2021) **Discourse stylistics of the short story of Dehleez, from the perspective of intellectual and textual trans-role, according to the Systemic Functional Linguistics**, Linguistic research, N 1, PP 172-192.
- Halliday, M (1978) **Language as Social Semiotics**, London: Edward Arnold Publication.
- Halliday, M(1994) **Introduction to Functional Grammar**, London: Edward Arnold Publication.
- Horri, Abolfazl(2010) " **Correlation of narrative levels and Halliday meta-functions in the story of Hasnak- e Vazi**", Literary study, N12, PP 69-87.
- Khanlari, Parviz(2003) **Historical grammar of the Persian language**, Tehran: Tous.
- Laynz, John(2012) **An introduction to the semantics of language**, Tr, by Koroush, Safavi, Tehran: Elmi.
- Mojavezi, Mohammad(2022) " **Analysis of the aesthetics of the verb in the Manteq- Al-Taysr Attar Neyshaburi**", Linguistic and Rhetorical Studies, No. 30, pp. 263-294.
- Mohajer, Mehran & Nabvi, Mohammad(2014) **Towards the Linguistics of Poetry**, Tehran: Agah.
- Mohammadiyan, Amir & Others(2014) " **Investigation and analysis of sentences expressing pain in Persian language using Halliday model**, Linguistics and dialects of Khorasan, N10, pp 143- 164.
- Monshizadeh, Mojtaba & Elahiyan, Leyla(2015) " **Investigating the cognitive style of the verb in Golestan; Influenced by its educational field with a systematic role-oriented approach** , Linguistic essays, N6, pp 259- 279.

- Refahi, Samaneh(2022) "**Comparison of elements of cohesion in two tazkarat Al- Oliya of Attar's (main and supplementary part), based on Halliday and Hasan's systematized order of role-oriented system**", Linguistic and Rhetorical Studies, Vol. 28, pp. 132-109.
- Shaghghi, Vida(2002) "**Negation prefix in Persian languagé**", Academy letter, N4(20), PP 85- 96.
- Toulan, Michel(2014) **Narratology, a critical linguistic approach**, Tr by Fatemeh Alavi & Fatemeh Nemati. Tehran: Samt.
- Zarrinkoub, Abdolhossein(1997) **Sea in a jar**, Tehran: Elmi

UNCORRECTED PROOF